

تَقْرَبُوا الزَّكَاةَ إِنَّهَا كَانَتْ قَابِضَةً
وَمَا يَعْصِمُ عَنْ الشَّيْطَانِ إِلَّا طَرْدُ
وَسَيِّدِي

دوستان قبول بودم فغاند
ما یحقیق بی خود کردیم
روزگار درین بس بودیم
بهر رسولان پیام داشت و بس
تسلیها گویا کنهلا کتفی
بیسعدی که در لاله علیه السلام
ایضا
کمال بودم و خودی ای اولی
شهر رمضان المبارک
من شهر کربلا
و کسب و معاش

فلا یسألن
قاله امام اعظم
و ان کلمه یکن
حزین
و لا یسقر
و الله صبورکم
و یسقرون قلبکم
و الله اعلم
و الله اعلم

و ما یسألن
قاله امام اعظم
و ان کلمه یکن
حزین
و لا یسقر
و الله صبورکم
و یسقرون قلبکم
و الله اعلم
و الله اعلم

کرت ز دست بر آید چو غنای باشم کریم
و کرت ز دست نیاید چو سرویش از یاد
تمام شد کتب کسبتان و اندر
استخوان توفیق بادی عزیز ایسده
چنانیک در سیم مؤلفی است و از شهر مقدس مان بطریق
ایضا
کسب ۹ قدر و خورشید بر استن
بر از جامه عاریت خواستن
غاب گفتار سدی طریقی کسب و طیب نمود و کوی نظران را بدین
عفت زبان سخن دراز کردی خود مانع میگردان ز دو دواعی بی
فایده خوران کار خود ندان نیت و لیکن بر برای روشن حد دلان
که روی حق از ایشان است پوشیده مانده کرد و منظر ناشای را در سلسله عیادت
کسبه است و در اولی حق یقین شهید طرافت بر آنجا است تا طبع اول شود و از

دوست بودم
خطوط طریقی
و الله اعلم